

Studying and Explaining the Challenges and Opportunities of Energy Diplomacy from the Perspective of the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution

Abdollah Razavi¹

Received: 13 Sep 2021

Reception: 29 Jan 2022

Coinciding with the fortieth anniversary of the Islamic Revolution, the Supreme Leader issued a statement of the second step, which is considered as a roadmap and future needs of Iran and even beyond that, the geopolitical axis of the resistance. In this regard, it is necessary that all political, economic, social, cultural and security pillars of the country, while carefully studying and analyzing and in order to achieve the goals of this statement, define and implement their strategies in line with this statement. Since Iran has long been one of the world's energy producing hubs, active energy diplomacy within the framework of the second step can play an important role in achieving the goals of the revolution, including in the field of energy. Using a qualitative method and documentary analysis approach, the present study seeks to answer the question that from the perspective of the second step statement, what are the central challenges of energy diplomacy and what are the desirable opportunities for energy diplomacy from the perspective of the second step of the Islamic Revolution? The results show that the use of Islamic Resistance diplomacy capacity in the field of energy, concluding favorable contracts, diversifying and using the potential of neighboring countries, using the transmission pipeline route, using a new diplomatic approach and activating the capacity of countries subject to oil sanctions are the most important. The requirements in energy diplomacy are in line with the statement.

KeyWords: Second Step Statement, Energy Diplomacy, OPEC, Axis of Resistance.

1. Faculty Member of the University of Oil Industry, Tehran, Iran (Corresponding Author). Srazavi@put.ac.ir

تبیین چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی انرژی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سید عبدالله رضوی^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۹

چکیده

مقام معظم رهبری مقارن با چهل‌سالگی انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم را صادر فرمودند که به‌مثابه نقشه راه و بایسته‌های آینده ایران و حتی فراتر از آن ژئوپلیتیک محور مقاومت قلمداد می‌گردد. از آنجاکه کشور ایران از دیرباز یکی از قطب‌های تولیدکننده انرژی در جهان محسوب می‌شود، دیپلماسی انرژی فعال در چارچوب بیابته گام دوم می‌تواند در تحقق اهداف انقلاب اسلام یاز جمله حوزه انرژی نقش بسزایی داشته باشد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد تحلیل اسنادی درصدد پاسخ این پرسش بوده که از منظر بیانیه گام دوم، چالش‌های محوری دیپلماسی انرژی چیست و فرصت‌های مطلوب دیپلماسی انرژی از منظر گام دوم انقلاب اسلامی کدام‌اند؟ نتایج تحقیق نشان داد که استفاده از ظرفیت دیپلماسی مقاومت اسلامی در حوزه انرژی، انعقاد قراردادهای مطلوب، تنوع‌بخشی و استفاده از توانمندی کشورهای همسایه، استفاده از مسیر خط لوله انتقال، استفاده از رویکرد نوین دیپلماسی و فعال‌سازی ظرفیت کشورهای مشمول تحریم‌های نفتی از مهم‌ترین الزامات در دیپلماسی انرژی همسو با بیانیه مذکور است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم، دیپلماسی انرژی، سازمان اوپک، محور مقاومت.

در پهنه جهانی واقع شدن برخی کشورها در مناطق جغرافیای خاص باعث شده تا بر منابع عظیمی از سوخت‌های فسیلی تسلط پیدا کنند. استخراج بهینه و به موقع این سوخت‌ها علاوه بر رونق کسب و کارهای داخلی می‌تواند به مثابه یک پیشران در حوزه ارزآوری خارجی ایفای نقش کند. باین وجود تجمع سوخت‌های فسیلی در مناطق خاص و تهی بودن دیگر گستره‌ها از آن، همچنین پدیدار شدن رقابت در بازار استخراج و فروش این سوخت‌ها و از سوی دیگر ارتباطی که بعضاً استخراج و فروش انرژی با امنیت اقتصادی هم کشورهای تولیدکننده و هم مصرف‌کننده دارد باعث شده تا شرایط پیچیده‌ای شکل بگیرد. قرارگیری ایران در موقعیت جغرافیایی کم‌نظیر غرب آسیا و زیرسیستم منطقه‌ای خلیج فارس علاوه بر منابع روزمینی، این کشور را به لحاظ منابع ارزنده زیرزمینی به‌ویژه انرژی غنی ساخته است. انرژی چه به‌عنوان تأمین‌کننده نیاز اساسی کشور و ژئوپلیتیک مقاومت و چه به‌عنوان منبع تأمین درآمد، یکی از ابزارهای قدرتمند است به‌خصوص اینکه ایران یکی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده انرژی محسوب می‌شود. استفاده از ظرفیت راهبردی انرژی به‌غیراز منابع آن نیازمند یک دیپلماسی فعال چه در عرصه بازارهای بین‌المللی انرژی و چه در عرصه سیاسی است. دیپلماسی متناسب حوزه انرژی در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی از گام‌های ضروری در این زمینه است. ایران از ابتدای انقلاب اسلامی، در عرصه دیپلماسی، استقلال از تمام قدرت‌های خارجی و استعماری و عدم وابستگی به قدرت‌های شرق و غرب را سرلوحه عملکرد خود قرار داده است. همچنین در زمینه رویارویی با تحریم‌ها و مقاومت در مقابل مصائب و مشکلات آن سابقه‌ای طولانی دارد؛ لذا در این کشور، مردم در زندگی روزمره خود با ادبیات تحریم آشنایی دارند. مسئله مهم در حوزه دیپلماسی انرژی این است که علی‌رغم سهم قابل توجه ایران در حجم منابع نفت و گاز جهان، ظرفیت انرژی کشور ایران، نتوانسته اهداف مطلوب انقلاب اسلامی را در بازارهای بین‌المللی محقق سازد. درخور توجه است که یکی از راه‌هایی که ایران به‌وسیله آن می‌تواند سطح امنیت ملی خود را ارتقا دهد، تمرکز بر سیاست خارجی است که مبنای آن امنیت انرژی باشد. با توجه به میزان امنیتی بودن پرونده‌های مرتبط با ایران، دیپلماسی انرژی پاسخی به تهدیدات و محدودیت‌های ژئوپلیتیک کشورمان محسوب می‌شود. در این راستا می‌توان از طریق فعالیت‌های دیپلماتیک، برنامه‌ریزی

اقتصادی، افزایش توانمندی‌های فنی و استفاده از منابع اقتصادی، فضایی مناسب به منظور اعمال دیپلماسی انرژی فراهم آورد. پژوهش حاضر در صدد ارزیابی وضعیت موجود دیپلماسی انرژی و تبیین وضعیت مطلوب دیپلماسی انرژی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. سؤال اصلی مقاله این است که از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، چالش‌ها و کاستی‌های محوری دیپلماسی انرژی چیست و فرصت‌های مطلوب دیپلماسی انرژی از منظر گام دوم انقلاب اسلامی کدام‌اند؟ سازمان‌دهی مقاله به این صورت است که در بخش اول ادبیات نظری تحقیق و پیشینه پژوهش مورد کنکاش قرار می‌گیرد، سپس وضعیت موجود و وضعیت مطلوب دیپلماسی انرژی کشور از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بررسی و تبیین می‌شود.

۱. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

ستوده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه گام دوم» با رویکردی آینده‌نگر، در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را تبیین نمود؟ نویسنده الزامات سیاست خارجی ایران را با توجه به روندها و پیامدها و رویدادهای مؤثر بر آن بررسی کرده و پیشران‌ها و موانع آن را استخراج نموده است. یافته‌های پژوهش نشان مس دهد حفظ دستاوردهای گذشته و نهادینه کردن موازنه قدرت نوین منطقه‌ای با اتکا بر شناخت و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی و تبیین راهبردهای کنترل تهدیدها مهم‌ترین مسائل مربوط به حوزه سیاست خارجی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

صادقی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل» در صدد پاسخ به این پرسش است که ضرورت‌ها و بایسته‌های اصلی ایران در نظام اقتصاد سیاست بین‌الملل کدام‌اند؟ نگارنده با استفاده از روش کیفی این فرض را مطرح می‌سازد که بهره‌گیری از دیپلماسی انرژی، زمینه لازم برای کاهش محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران را فراهم می‌سازد. در جهانی که امنیت ملی کشورها با تأمین انرژی گره‌خورده است، حفظ و پاسداری از این موقعیت ویژه برای ایران اهمیتی استراتژیک دارد. وی بر این اعتقاد است که در وهله اول، استراتژی گسترش بازار در سیاست

اقتصادی ایران مورد توجه قرار نگرفته است، دوم اینکه، محدودیت‌های بین‌المللی عامل اصلی حاشیه‌ای شدن ایران در ارتباط با بازار انرژی می‌باشد و سوم اینکه، دیپلماسی انرژی می‌تواند زمینه‌های لازم برای عبور ایران از تحریم‌های اقتصادی و بین‌الملل را فراهم سازد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی و تحلیل عزت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس مدل SWOT» درصدد پاسخ به این سؤال هستند که شاخص‌های عزت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کدام‌اند؟ این پژوهش به روش توصیفی و با استفاده از مدل تحلیل استراتژیک «SWOT» به شناسایی توانایی‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در عرصه سیاست خارجی جهت اجرایی نمودن بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سه شاخصه از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی هستند. در صورتی که بتوان بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری ضعف‌ها را از میان برده و از توانایی‌ها و ظرفیت‌های قابل توجه ایجادشده انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی استفاده نمود، می‌توان از فرصت پیش‌آمده در گام دوم انقلاب جهت کاهش تهدیدها استفاده نمود.

طریقی و طاهری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی انرژی در اسناد راهبردی سیاست خارجی ایران»، درصدد پاسخ به این سؤال هستند که مقوله دیپلماسی انرژی با توجه به اهمیت راهبردی آنچه جایگاهی در میان اسناد راهبردی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ بر اساس نتیجه پژوهش، بازخوانی و بازبینی اسناد بالادستی نشانگر این است که سهم دیپلماسی انرژی در گفتمان‌های اصلی و رسمی مؤثر سیاست خارجی و توسعه اقتصادی، سهمی شایسته و بایسته نبوده است. برای کشوری چون ایران که بخش انرژی واجد نقش دوگانه‌ای در تأمین نیازهای داخلی و البته تأمین درآمدهای ارزی می‌باشد و به مثال زیربنای اصلی توسعه داخلی و مؤلفه‌ای قدرت آفرین در سیاست خارجی محسوب می‌شود، غفلت از ظرفیت‌ها و کارکردهای بخش انرژی در سیاست خارجی، برخلاف روند تأمین مصالح و منافع ملی ارزیابی می‌شود.

۵ - فرهانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی حکمرانی گام اول انقلاب و دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم» الگوی حکمرانی انقلاب در گام اول و نیز

دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم را تبیین و تشریح می‌نماید. همچنین مواردی از جمله ادراک انقلاب اسلامی، تقدم بخشی به فرهنگ و معنویت، پیگیری مفهوم برکت و عدم اتکای صرف بر منطق هزینه و فایده اقتصادی و تمرکز بر جهاد علمی برای گذر از عقب‌ماندگی‌های تاریخی و ترسیم آتیه کشور مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ایجاد یک الگوی حکمرانی قلمداد شده‌اند. نگارنده در نتیجه‌گیری نهایی مهم‌ترین راهکار را تلاش برای ایجاد نظریه علمی اقتصادی با توجه به ابعاد سبک زندگی متناسب می‌داند.

با توجه به پیشینه‌ها، علی‌رغم وسعت منابع مورداستفاده باید گفت که برخی کاستی‌ها و ابعاد واکاوی نشده نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد که عبارت‌اند از: ۱. به لحاظ مسئله و محتوای پژوهش تاکنون در منابع بررسی شده پژوهشی علمی در خصوص موضوع پژوهش پیش رو نگارش نشده است. ۲. روی بعد دیپلماسی انرژی و کنکاش آن از لابه‌لای بیانیه چندوجهی و چندلایه‌ای گام دوم انقلاب اسلامی، مطالعه‌ای عمیق و دقیق صورت نگرفته است. از این منظرگاه پژوهش حاضر گامی مهم در جهت رفع این کاستی‌ها و توسعه علمی در این حوزه است.

۱- ۲. تمهیدات نظری و مفهومی: دیپلماسی اقتصادی و انرژی

دیپلماسی به‌رغم ماهیت پیچیده و چندوجهی آن حاوی دو بعد تحلیل/نظر و عمل/میدان است. برخلاف دیپلماسی سنتی که عمدتاً در حیطه سیاسی قرار می‌گرفت، امروزه دیپلماسی تعریفی گسترده و به تعبیری مفهومی موسع در تمامی ابعاد (سیاسی، اقتصادی، امنیتی، زیست‌محیطی، ورزشی، حقوقی و عمومی) پیدا کرده و تحت تأثیرات بی‌سابقه و متعددی قرار گرفته است (Stanzel, 2018:5). به همین خاطر است با توجه به ماهیت روابط بین‌الملل و تغییر و تحولات شکل‌گرفته، پیگیری و ارائه یک تعریف واحد و فراگیر^۱ از دیپلماسی میسر نیست. با وجود تعاریف گسترده از دیپلماسی، ماهیت و هدف اصلی این حوزه، مجموعه ابزارهای در اختیار دولت‌ها به‌منظور تأمین اهداف سیاست‌های خارجی است (Asaf and Dan, 2021:5). در حقیقت دیپلماسی ابزاری با طراحی منحصر به فرد و هدفمند است که دولت‌مردان و دیپلمات‌ها را به‌منظور پیگیری اهداف و منافع نظام سیاسی و کشور متبوع خود در نواحی برون‌مرزی یاری می‌رساند. قاعدتاً با توجه به فشرده شدن زمان و مکان و مزیت

نسبی که هر کدام از کشورها و مناطق جغرافیایی دارند، دولت‌ها بی‌نیاز از ارتباط‌گیری با دیگر واحدهای سیاسی نیستند. تعامل میان واحدهای سیاسی و مطرح ساختن نیازهای متقابل و پیگیری خواست‌ها و مطالبات در وهله اول مستلزم تمرکز و بهره‌گیری از اهرم دیپلماسی است.

دیپلماسی اقتصادی^۲ یکی از گونه‌ها و سویه‌های مهم دیپلماسی است که با توجه به اهمیت زیربنایی که مسائل مالی و تجاری در پیوند میان دولت‌ها و رونق کشورها ایفا می‌کند اهمیت مضاعفی یافته است. امروزه دیپلماسی اقتصادی موضوع اصلی روابط خارجی تقریباً همه کشورها است و منفعت محوری و ارزآوری در نتیجه پیوند با طرف‌های خارجی امری غیرقابل کتمان است. در داخل کشورها، وزارتخانه‌های اقتصادی، نهادهای تشویقی تجارت و سرمایه‌گذاری، اتاق‌های بازرگانی و البته وزارت خارجه، همه در کار اقتصادی مشارکت دارند. اما در خارج از کشور سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و دفاتر تجاری مجری دیپلماسی اقتصادی هستند. دیپلماسی اقتصادی یک فعالیت چندوجهی است و در حقیقت مجموعه‌ای متکثر از شیوه‌هاست که هدف همه آن‌ها پیشبرد منافع اقتصادی خارجی یک کشور است (rana and chatterjee, 2019:4). به بیانی دیپلماسی اقتصادی نوعی دیپلماسی است که برای دستیابی به منافع ملی خود از طیف کاملی از ابزارهای اقتصادی یک کشور استفاده می‌کند. در همین رابطه برخی دیپلماسی اقتصادی را کار دیپلماتیک جهت حمایت از بخش‌های تجاری و مالی یک کشور معین از طریق استفاده از منابع اقتصادی، مانند پاداش‌ها یا تحریم‌ها و در تعقیب یک هدف سیاست خارجی خاص می‌دانند. در حقیقت امروزه با مطرح شدن بحث‌هایی همچون تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی از سوی قدرت‌های بزرگ علیه رقبا و دشمنان خود، باعث شده تا فرض اساسی و جوهر دیپلماسی اقتصادی را در استفاده از ابزارهای اقتصادی مثبت و منفی برای اهداف سیاسی تلقی کنند (Santos, 2017:92).

در بحث دیپلماسی اقتصادی یکی از ابعاد مهمی که به چشم می‌خورد دیپلماسی انرژی^۳ است. دولت‌های مستقل حوزه روابط بین‌الملل خود را انجام می‌دهند و از طریق سیاست‌های خارجی با یکدیگر تعامل می‌کنند و منافع ملی خود را در روابط با سایر کشورها به صورت دوجانبه و چندجانبه ارتقا می‌دهند. امروزه سیاست خارجی به بخش اساسی افزایش همکاری خارجی در بخش انرژی تبدیل شده است. در این میان دیپلماسی به‌عنوان ابزار اصلی سیاست خارجی به شکل اجتناب‌ناپذیر با سیاست انرژی پیوند خورده است (Rizki and Nata-)

(sha, 2021). دیپلماسی انرژی شامل مجموعه‌ای از برنامه‌ها و سیاست‌ها است که کشورها با اتخاذ و اعمال آن به دنبال دستیابی به حداقل دو هدف اصلی در تعاملات بین‌المللی هستند. هدف اول تأمین اهداف بخش انرژی است که در اسناد سیاستی کشورها در مورد انرژی تعریف و بیان شده است. هدف دوم، ارتقای امنیت ملی و بین‌المللی کشور مربوطه از طریق تأمین جایگاه بهتر و ایفای نقش تأثیرگذارتر در عرصه بین‌المللی است. هدف اصلی و متعارف بخش انرژی، تأمین منبع انرژی پایدار برای جامعه به‌طور کلی، و به‌ویژه برای رشد و توسعه اقتصادی است. این بعد به‌عنوان امنیت عرضه شناخته شده که برای همه کشورها مطرح است (Benjamin and Dobreva, 2019:2). هنگامی که این مسئله در مورد کشورهای تولیدکننده انرژی مطرح می‌شود چنین وضعیتی ابعاد مهم دیگری را نیز به خود می‌گیرد. یعنی باید علاوه بر نیاز به تأمین بی‌وقفه انرژی برای مصارف خانگی، امنیت تقاضا را نیز در برگیرد. هدف دوم نیز استفاده از ظرفیت‌های انرژی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی به‌منظور بازدارندگی، کاهش یا حذف تهدیدات و مخاطرات ملی و ترجیحاً حتی برای تأثیرگذاری و کنترل و جهت‌دهی به رویدادها به‌منظور پیشبرد امنیت و منافع ملی است. بنابراین، دیپلماسی مؤثر انرژی در پی آن است که روابط بین‌الملل کشور مربوطه را به‌گونه‌ای تعریف کند که هم اهداف خاص بخش انرژی را در کنار امنیت ملی و هم بین‌المللی دنبال کند (Adeli, 2010:60).

۲. مطالعه وضعیت موجود دیپلماسی انرژی در ایران

کشور ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان منابع نفت و گاز در سطح جهان است. پیش از انقلاب اسلامی بیشتر زنجیره استخراج تا فروش در اختیار شرکت‌های بزرگ نفتی بوده و شرکت ملی نفت ایران از سهم کمتری برخوردار بود. پس از انقلاب به تدریج شرکت ملی نفت ایران نقش پررنگ‌تری در این زنجیره بازی نمود. از سوی دیگر کشور ایران از اعضای قدیمی و مؤسسين اوپک می‌باشد. باین وجود در حوزه دیپلماسی انرژی برخی ضعف‌ها وجود دارد:

۱-۲. تحریم‌های نفتی و عدم استفاده از ظرفیت نفت در دیپلماسی: زمانی که تحریم‌ها معمولاً محدودیت‌های تجاری یا مالی (به‌عنوان ابزاری جهت انجام اقدامات تلافی‌جویانه در روابط بین‌المللی به شمار آیند، جایگاهی در میان دیپلماسی و استفاده از ارتش دارند (راه چمنی، ۱۳۸۱: ۴۹۹). کگلی^۴ و ویتکف^۵ تحریم را به این صورت تعریف می‌نمایند: «اقدامات

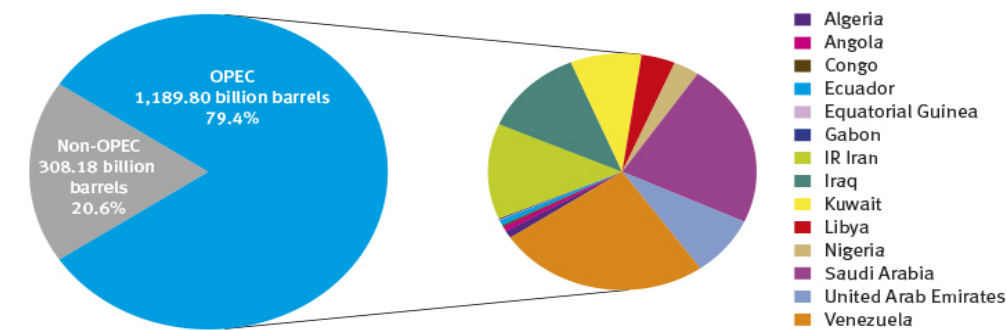
عاملدانه دولت جهت اعمال فشار و محرومیت اقتصادی بر دولت یا جامعه هدف، با محدود یا توقف نمودن روابط اقتصادی جاری که معمولاً از آن به‌عنوان جانشینی برای قدرت نظامی یاد می‌شود. تحریم به دولت استفاده‌کننده اجازه می‌دهد که نارضایتی خود از برخی اعمال خاص دولت مدنظر ابراز نموده و موجب تغییر رفتار آن گردد» (دست‌مالچی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). مورگان و همکاران^۶ (۲۰۰۹) صراحتاً تحریم‌های اقتصادی به این صورت تعریف نموده‌اند: «اعمالی که یک یا چند کشور برای محدود یا قطع کردن روابط اقتصادی با کشور موردنظر و باهدف تغییر سیاست‌های آن کشور، انجام می‌دهند»؛ بنابراین در هر تحریم اقتصادی، حداقل یک کشور تحریم‌کننده وجود دارد که جهت تحمیل برخی خواسته‌های سیاسی خود از آن تحریم استفاده می‌نماید. ایران، طی چهل سال گذشته با توجه به دارا بودن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان و صادرات آن، درزمینه فروش نفت به دلیل تحریم‌های زیر با مشکلات فراوانی مواجه است:

توقیف اموال و دارایی‌های این کشور توسط آمریکا پس از جریان گروگان‌گیری، قانون تحریم ایران و لیبی^۷ معروف به قانون داماتو^۸، تحریم‌هایی با عنوان حمایت ایران از تروریسم (Stoll and others, 2020: 30). تحریم‌های سازمان ملل بر مبنای قطعنامه‌های شورای امنیت و بازگشت تحریم‌های اولیه و ثانویه پس از خروج آمریکا از برجام. از طرفی، تحریم‌های اعمال‌شده از زمان انقلاب اسلامی، یکسان نبودند و به عبارتی، تحریم‌های اولیه بیشتر بر توقیف دارایی‌ها و درآمدهای به‌دست‌آمده از فروش نفت ایران معطوف بودند و سپس سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی (آمریکایی و غیر آمریکایی) موردتوجه این جریان قرار گرفت؛ ولی از سال ۲۰۱۱ و با سخت‌تر شدن شرایط، سیاست تحریم‌کنندگان کاهش فروش نفت ایران را هدف قرار دادند. لازم به ذکر است که در سال ۲۰۱۶ (پس از توافق مشترک برجام)، فروش نفت خام افزایشی موقتی داشت که با خروج آمریکا از برجام کاهش یافت و در حال حاضر به میزان پیش از توافق مذکور رسیده است. در چنین شرایطی، تمرکز بر یافتن راهکارهایی جهت بی‌اثر نمودن تحریم‌های ذکرشده، اهمیت فراوانی دارد؛ لذا فعال نمودن دیپلماسی انرژی به‌منظور تقویت منافع ملی خصوصاً درزمینه فروش نفت و گاز که سهم عمده‌ای از بودجه کشور به خود اختصاص می‌دهد، اهمیت فراوانی دارد. اگرچه بیانیه گام دوم بر تداوم استقلال و تقویت ظرفیت‌های درونی تأکید نموده است ولی در همین بیانیه

بهره بردن از فرصت‌های بیرونی به‌منظور تأمین رفاه مردم و افزایش سطح آن نیز موردتوجه و تأکید قرار گرفته است؛ لذا در دیپلماسی انرژی فعال، ضمن تمرکز برافزایش مقاومت در مقابل تحریم‌ها، باید استفاده از ظرفیت‌های گوناگون (ایجاد بازار جهت فروش نفت) موردتوجه قرار گیرد. این امر نیازمند ورود به عرصه‌ها و بازارها جدید و کنار گذاشتن شیوه‌های سنتی و متکی بیش‌ازحد به بازارهای تحت نظر نهادهای غربی است.

۲-۲. استفاده نکردن از ظرفیت دیپلماسی انرژی اوپک: تنظیم گری اوپک در بازار نفت از طریق ظرفیت‌های مازاد تولید یکی از فرصت‌های مهم در حوزه دیپلماسی انرژی ایران به شمار می‌رود؛ چراکه اعضای اوپک بیش از مصرف داخلی خود نفت تولید نموده و صادرکننده خالص آن هستند. بر این اساس با تصمیمات اتخاذی در اجلاس اوپک، این سازمان بر مبنای وضعیت بازار نفت (عرضه و تقاضا) به‌صورت رصد کوتاه‌مدت و بلندمدت، تولیدات این گروه از تولیدکنندگان را مشخص می‌نماید. کشورهای عضو اوپک، حدود ۷۹/۴ درصد از ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده‌اند (OPEC Annual Statistical Bulletin, 2019). در جدول و نمودار ذیل سهم تولیدکنندگان از ذخایر نفت نشان داده شده است.

OPEC share of world crude oil reserves, 2018



OPEC proven crude oil reserves, at end 2018 (billion barrels, OPEC share)

Venezuela	302.81	25.5%	Kuwait	101.50	8.5%	Algeria	12.20	1.0%	Gabon	2.00	0.2%
Saudi Arabia	267.03	22.4%	UAE	97.80	8.2%	Ecuador	8.27	0.7%	Equatorial Guinea	1.10	0.1%
IR Iran	155.60	13.1%	Libya	48.36	4.1%	Angola	8.16	0.7%			
Iraq	145.02	12.2%	Nigeria	36.97	3.1%	Congo	2.98	0.3%			

Source: OPEC Annual Statistical Bulletin 2019.

نمودار (۱) میزان ذخایر نفت اوپک در جهان

(Source: https://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs/330.htm, 2019)

نوع رفتار اوپک به عواملی نظیر همگونی و هماهنگی مواضع سیاسی و اهداف میان اعضا بستگی داشته به طوری که در سال‌های اخیر خواست‌های ناهمگون همواره به‌عنوان بزرگ‌ترین مشکل این سازمان در اتخاذ تصمیمات منطقی از منظر اقتصادی بوده است. لذا عدم یکپارچگی و دودستگی در پاره‌ای از موارد موجب تضعیف جایگاه سازمان مذکور و عدم کارایی تصمیمات آن می‌گردد. در این ارتباط اعضای اوپک را در دو گروه می‌توان مورد بررسی قرارداد که موفقیت نسبی هریک از آن‌ها در همراه کردن سایر اعضا با خود بازار نفت را تحت تأثیر قرار داده است. کشورهای عضو اوپک، در دو گروه جای می‌گیرند: کشورهای میانه‌رو (محافظه‌کار) و کشورهای تحول‌خواه. گروه محافظه‌کار شامل عربستان سعودی، امارات، کویت و عراق می‌باشد و گروه تحول‌خواه از کشورهای جمهوری اسلامی ایران، ونزوئلا، لیبی و نیجریه تشکیل می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رهبر گروه تحول‌خواه است و ونزوئلا نیز معمولاً سیاست‌های هماهنگ با ایران را اتخاذ می‌نماید (امامی میبیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). در دسته‌بندی دیگر، گروه اول به رهبری عربستان در سال ۱۹۸۵ سیاست سهم عادلانه بازار را مطرح کردند و استدلال می‌کردند نباید به بهای از دست دادن سهم خود در بازار جهانی از قیمت نفت دفاع کرد؛ زیرا با افزایش تولید اوپک، قیمت نفت کاهش می‌یابد و با ارزان شدن آن سیاست‌های صرفه‌جویی و جایگزینی انرژی در کشورهای مصرف‌کننده نفت متوقف می‌شود و به این نحو در بلندمدت تقاضا برای نفت اوپک افزایش می‌یابد. در مقابل گروه متشکل از ایران، لیبی و الجزایر عقیده داشتند با افزایش تولید نفت قیمت‌ها با نرخ سریع‌تری کاهش می‌یابند و درآمد اعضای اوپک در مجموع کاهش خواهد یافت. هم‌چنین کشورهای غیر اوپک با وضع مالیات‌های سنگین اجازه انتقال این کاهش قیمت‌ها را به مصرف‌کننده نهایی نمی‌دهند و با ادامه سیاست‌های صرفه‌جویی، استراتژی جایگزینی انرژی نفت به‌عنوان یک راهبرد سیاستی، از این کاهش قیمت‌ها متأثر نمی‌شود. کشورهای عضو با توجه به رویکردهای سیاسی نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول به رهبری عربستان سعودی شامل کویت و امارات متحده عربی که از درآمد سرانه بالا و ذخایر اثبات‌شده قابل توجه برخوردارند این کشورها طرفدار افزایش عرضه کل نفت در تلاش برای تعدیل قیمت‌ها و حفظ تقاضای بلندمدت هستند. گروه دوم شامل کشورهای ایران الجزایر نیجریه و ونزوئلا است که معتقدند اوپک کل تولیداتش را به نفع افزایش سریع

قیمت‌ها محدود نماید. اعضای این گروه ذخایر کم یا جمعیت زیاد یا هر دو ویژگی را باهم دارند و منافع درآمدی خود را در افزایش قیمت نفت می‌دانند؛ لذا بر این مبنا می‌توان در گروه اول عربستان و در گروه دوم ایران را مهره کلیدی تلقی نمود (میر ترابی، ۱۳۹۳: ۲۴۳). اگرچه ایران انتقاداتی به روند اوپک دارد ولی چندجانبه‌گرایی و درون‌زایی آن با آرمان‌های انقلاب اسلامی و روح بیانیه گام دوم همسو است به همین دلیل می‌بایست با تقویت تحرک دیپلماتیک در این سازمان بیشتر از ظرفیت‌های آن استفاده کرد.

۲-۳. انعطاف و انطباق نداشتن قراردادهای نفت با دیپلماسی: قراردادهای کنونی در حوزه نفت تمرکز بر توسعه دارد و مسائلی نظیر امنیت بازار نفت و دیپلماسی فناوری به‌عنوان بخش اصلی در آن‌ها لحاظ نمی‌گردد. لذا خدمات شرکت‌های بین‌المللی با دریافت وجوه تسویه می‌گردد. در شرایط تحریم این قراردادها نمی‌تواند امنیت بازارهای فروش نفت و انتقال فناوری را تضمین نماید. عدم ارتباط بامیان قراردادهای توسعه میدین نفت و امنیت بازار از مواردی است که در قراردادهای جدید بالادست نفت از نقایص آن‌ها است؛ چراکه پرداخت خدمات در این دسته قراردادها از بخشی از درآمد و عواید فروش حجم نفت تولیدی در هر سال است و در شرایط تحریم که امکان فروش نفت با دشواری همراه بوده و درآمد فروش از نفت تولیدی به‌سختی محقق خواهد گردید. یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که در بیانیه گام دوم نیز بر آن تأکید شده است، نوگرایی و استفاده خلاقیت است به‌خصوص جوانان است. این امر موجب نوآوری و ارائه ابتکارهای جدید در حوزه قراردادهای نفتی و استفاده بیشتر از پیوست دیپلماسی می‌شود تا به اهداف موردنظر بیانیه گام دوم مورد تأکید مقام معظم رهبری شود.

۲-۴. رویکرد سنتی و عدم ساختار متناسب با دیپلماسی انرژی: از آنجایی که کشور ایران دارای ظرفیت غنی منابع هیدروکربوری است، شواهد و مطالعات فارغ از نگاه‌های سیاسی نشان می‌دهد بهره‌برداری ناچیز از ظرفیت این دیپلماسی به‌خصوص در حوزه نفت و گاز است. از دلایل مهم این مسئله، وابستگی بیش‌ازحد به بازارهای سنتی انرژی است به‌طوری‌که نتوانسته ظرفیت‌های بالقوه دیپلماسی را بالفعل سازد؛ به‌عبارت‌دیگر، رویکرد سنتی در دیپلماسی انرژی برای استفاده از ظرفیت راهبردی آن برای تحقق کامل اهداف انقلاب ناکارآمد بوده است. رویکرد سنتی بر مشتریان قدیمی و عمدتاً قبل از انقلاب نفت ایران داشته و به تغییرات

و تحولات ساختار انرژی در جهان توجه نداشته است. فقدان برنامه مدون در دیپلماسی انرژی برای آزادسازی ظرفیت راهبردی دیپلماسی انرژی علیرغم گفتمان تعامل سازنده و شعارهای غرب گرایانه به‌ویژه در سال‌های اخیر ناکارایی در این حوزه را تحت‌الشعاع داده است. بدیهی است رویکرد سنتی در بخش بین‌الملل صنعت نفت و تمرکز بر مشتریان قبلی کار آیی دیپلماسی انرژی را به حداقل رسانده است. این رویکرد محصول ورود مجدد ژنرال‌های فرتوت به مدیریت صنعت نفت است. دیپلماسی انرژی با نیروهای ازکارافتاده و غیر جوان که عمدتاً ریسک‌پذیر است، پیش نخواهد رفت. علاوه بر موارد فوق، این رویکرد انحصار در بدنه دیپلماسی این حوزه ایجاد نموده که مانع از رشد رویکردهای نوین گردیده است.

۲-۵. رویکرد سنتی در قراردادهای فروش: قراردادهای فروش نفت نسبت به ساختارهای جدید بازار به‌اندازه کافی منعطف نیست. بازار نفت از سال ۲۰۱۰ تاکنون تحولات جدیدی را به خود گرفته و تمرکز آن از عوامل سنتی نظیر بازار فیزیکی صرف به بازارهای مالی و استفاده از ابزارهای مالی تغییر جهت داده است. یکی از کارکردهای قراردادهای با رویکرد جدید استفاده از ابزارهای مالی برای پوشش ریسک‌های مختلف اقتصادی و ... در کنار فعالیت در بازار فیزیکی می‌باشد که منجر به افزایش قدرت مانور دیپلماسی و تاب‌آوری اقتصادی می‌شود. تداوم رویکرد سنتی در قراردادهای فروش نفت یکی از تنگناهای جدی است. بازارهای نفت در منطقه اروپا اشباع‌شده و ظرفیت جدید بازار نفت در منطقه آسیا در حال گسترش است به‌ویژه در چین، هند، اندونزی و... که رویکرد فعلی بر مشتریان قدیمی تمرکز دارد. همچنین شاخص‌های روابط بین‌الملل نظیر اولویت‌بندی از لحاظ روابط سیاسی عمدتاً در قراردادهای فروش دیده نمی‌شود و تنها به‌صورت یک فرمت تیپ غیرقابل انعطاف‌پذیر وجود دارد.

۲-۶. کمبود نیروی انسانی متخصص دیپلماسی انرژی متناسب با ساختار و تحولات انرژی جهان: با توجه به تخصصی بودن حوزه‌های مذاکرات و فروش مواد هیدروکربوری در فرآیندهای این حوزه نیاز شدید به متخصصان مشهود است. این در صورتی است که بسیاری از انتصابات در این سمت‌ها در این حوزه بر اساس پارامترهای سیاسی انجام می‌گیرد و پارامترهای تخصصی با رویکرد جوان‌گرایی از اهمیت چندانی برخوردار نیست. این در صورتی است که در بیانیه گام دوم جوانان به‌عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی معرفی شده‌اند. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه

میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کاربندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند از سوی دیگر، با توجه به وجود دفاتر با خارج از کشور در این سازمان‌ها و مأموریت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و جذابیت دریافت پاداش‌های ارزی کارایی این سازمان‌ها را به شدت کاهش داده است. گروه‌هایی که در ابتدای انقلاب وارد این حوزه‌ها شدند نظیر حلقه وین و ... انحصار ایجاد نمودند. حتی اخیراً که این سازمان‌ها با کمبود نیروی انسانی مواجه هستند، سعی در جهت‌دهی به کاری‌گیری افراد خاص و هماهنگ با جریان‌های سنتی دارند. جدول زیر به وضعیت ارتباط متخصصان و سمت‌های شغلی کارشناسان یکی از حوزه‌های این دیپلماسی در وزارت نفت پرداخته است.

جدول (۱)

وضعیت کلی امور بین‌الملل				مشاغل تخصصی امور بین‌الملل (بازاریابی نفت و فراورده، دعاوی، مالی و دفاتر خارج از کشور)			
درصد	مجموع	ارتباط رشته و گرایش شاغلین		وضعیت سطح تحصیلی شاغلین	نسبت به سطح تحصیلی مبنای	درصد	مجموع
		مرتبط	غیر مرتبط				
۳٪	۳	۳	۰	بالاخر	۱۰۰٪	۳٪	۳
۳۵٪	۶۳	۳۱	۳۲	برابر	۱۰۰٪	۳۵٪	۶۳
۶۳٪	۱۱۲	۳۸	۷۴	پایین‌تر	۱۰۰٪	۶۳٪	۱۱۲
	۱۷۸	۷۲	۱۰۶	مجموع	۱۰۰٪		۱۷۸
		۴۰٪	۶۰٪	درصد			
وضعیت کلی امور بین‌الملل				مشاغل تخصصی امور بین‌الملل (بازاریابی نفت و فراورده، دعاوی، مالی و دفاتر خارج از کشور)			
درصد	مجموع	ارتباط رشته و گرایش شاغلین		وضعیت سطح تحصیلی شاغلین	نسبت به سطح تحصیلی مبنای	درصد	مجموع
		مرتبط	غیر مرتبط				
۳٪	۳	۳	۰	بالاخر	۱۰۰٪	۳٪	۳
۳۵٪	۶۳	۳۱	۳۲	برابر	۱۰۰٪	۳۵٪	۶۳
۶۳٪	۱۱۲	۳۸	۷۴	پایین‌تر	۱۰۰٪	۶۳٪	۱۱۲
	۱۷۸	۷۲	۱۰۶	مجموع	۱۰۰٪		۱۷۸
		۴۰٪	۶۰٪	درصد			

(منبع: نگارنده، ۱۳۹۷)

۳. دیپلماسی انرژی فعال راهبردی در راستای اجرای ظرفیت گام دوم انقلاب اسلامی

یکی از دست آوردهای آشکار انقلاب اسلامی، توسعه کشور در عرصه‌های مختلف داخلی و منطقه‌ای است که رهبر معظم انقلاب آن را دست آوردی عزت‌مندانه برای جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. در همین رابطه معظم له در بیانیه گام دوم بیان می‌دارند که: «که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیرقابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویان و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت» (farsi.khamenei.ir, 1397). با توجه به تأکیدات مهم بیانیه گام دوم و به‌منظور قوام‌بخشی به حوزه دیپلماسی انرژی، تمرکز بر روی برخی شاخص‌های بنیادی و تلاش در جهت کاربست به‌موقع آن‌ها مفید فایده است. در همین راستا می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

۱-۳. رویکرد جدید دیپلماسی مبتنی بر تنوع‌بخشی مشتریان: در رویکرد سنتی تمرکز و اصل بر مشتریان قدیمی است. در صورتی که در رویکرد جدید ایجاد سبدهای مرکب از مشتریان قدیمی و مشتریان جدید و احتمالی در آینده است. به‌عنوان نمونه برخی از مصرف‌کنندگان نظیر اندونزی که در سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۳۰ به اقتصادهای بزرگ تبدیل شده و روند مصرف نفت و گاز آن‌ها به‌شدت روبه‌رشد است، یکی از بازارها تلقی خواهد شد. به‌علاوه، سهام‌داری و خرید پالایشگاه و ایجاد زنجیره فروش در آن کشور توسط تولیدکنندگان نظیر عربستان از اهمیت بسزایی برخوردار است و از این طریق کارایی تحریم‌ها را به‌شدت مدیریت می‌نماید. همچنین، وابسته‌سازی مصرف‌کنندگان در شرکت‌های تولید مواد هیدروکربوری کشور در قالب سرمایه‌گذاری مشترک ریسک‌های تحریم‌های یک‌جانبه را به‌شدت کاهش خواهد داد.

۲-۳. دیپلماسی مبتنی بر تشکیل سازمان کشورهای تحریمی: مطابق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بااراده،

همواره دارای انعطاف و ... است» همچنین «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند». (farsi.khamenei.ir, 1397). لذا دیپلماسی با رویکرد انقلابی نیازمند ایجاد ظرفیت‌های جدید بوده که در این راستا بر اساس تحریم‌های اعمالی علیه برخی از کشورها نظیر ونزوئلا، ایران، روسیه، چین و ... این کشورها می‌توانند با ایجاد اتحادیه‌ای روابط اقتصادی چندجانبه بین یکدیگر را تسهیل نمایند. گفتنی است این اتحادیه باید به گونه‌ای تشکیل شود که منافع همه کشورهای عضو مدنظر قرار گیرد. به‌عنوان مثال روسیه با استفاده از خط لوله صادرات نفت را به چین انجام داده و از این طریق تحریم‌های نفتی را بی‌اثر نموده و همچنین، همکاری مشترک شرکت دولتی رز نفت روسیه نیز با شرکت نفت ونزوئلا و کمک به صادرات نفت ونزوئلا و کاهش اثرات تحریمی آن از نمونه‌های موفق همکاری دوجانبه بین کشورهای تحریم شده، است که می‌تواند مقدمه‌ای بر همکاری‌های چندجانبه باشد. البته این نکته حائز اهمیت است که هرکدام از این کشورها در چندین حوزه مزیت دارند، از این رو می‌توانند در تأمین نیاز سایر کشورهای تحریمی تأثیرگذار باشند.

۳-۳. دیپلماسی مقاومت و اتخاذ راهبرد انرژی در شرایط تحریم‌ها: در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در حوزه روابط بین‌المللی بر عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن تأکید شده است که هر سه، این مؤلفه‌ها از پایه‌های عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ دیپلماسی امری متعارف در نظام بین‌الملل است. دستگاه دیپلماسی ما از ابتدای انقلاب با فراز و فرودهایی مسیر خود را رفته اما دیپلماسی مقاومت سرمایه جدیدی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. تاریخ چهار دهه انقلاب اسلامی گواه روشنی برداشتن دست برتر دیپلماسی مقاومت^۹ است. به‌عبارتی دیگر، در طول دهه‌های اخیر دول مختلفی آمده‌اند و رفته‌اند و هر یک بر اساس تفکر و رویکرد خود در عرصه دیپلماسی نقش آفرینی کرده‌اند؛ اما همگان شاهد بوده‌اند عمر روش و دیپلماسی هر دولت، به‌اندازه عمر همان دولت بوده است، اما دیپلماسی مقاومت ملهم از اندیشه و فرهنگ بسیج، چهار دهه است که در ایران زنده است

و هر جا شاهد پیروزی و اقتداری در سطح بین‌الملل بوده‌ایم، حاصل همین نگاه بوده است. در حوزه بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌هایی که ایران در آن دست بالا را دارد مانند انرژی، معادن، نظامی به‌خصوص موشکی بایستی تمام‌قد برای نقد کردن آن ایستاد. این ایستادگی از مسیر دیپلماسی می‌گذرد. دیپلماسی که باید شاخصه‌های نظام اسلامی یعنی ضد استکباری آن لحاظ شود. دیپلماسی غیر مقاومتی در حوزه انرژی گاه تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و جناحی زمینه‌ساز خود تحریمی یا عقب‌ماندگی حوزه انرژی شده است. در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریمی بوده و درآمدهای نفتی سهم زیادی از بودجه را به خود اختصاص داده‌اند، خلاقیت در زمینه ابداع و کشف روش‌هایی برای فروش نفت با توجه به دیپلماسی مقاومت بسیار حیاتی است. شناسایی تک‌تک این راهکارها، سعی در اجرای آن‌ها و استفاده به‌منظور افزایش درآمدهای نفتی بسیار مهم است؛ اما واضح است که بدون در نظر گرفتن یک دیپلماسی واحد در زمینه مقاومت و در شرایط کنونی، امکان اجرای همه راهبردها وجود ندارد.

۳-۴. وضعیت مطلوب قراردادی در حوزه دیپلماسی: قراردادی می‌تواند از لحاظ دیپلماسی انرژی مطلوب تلقی گردد که هم از لحاظ ضمانت اجرایی و هم از لحاظ امنیت فروش نفت ریسک حداقلی داشته باشد. قراردادهای توسعه‌ای که به‌موجب آن در بخش بالادست نفت طرف خارجی در مقابل سرمایه‌گذاری و بازپرداخت آن ملزم به برداشت بخشی از آن باشد، از این روش سهم بازار نفت خام و امنیت آن در میان‌مدت حفظ‌شده و امکان تحریم با توجه به سرمایه‌گذاری قبلی و بلندمدت وجود ندارد. قراردادهای حوزه نفت اعم از قراردادهای توسعه و فروش نفت می‌بایست منطبق با تغییرات و تحولات بازار بین‌المللی نفت باشد به‌طوری‌که پارامترهای امنیت بازاری و انتقال تکنولوژی را مورد توجه قرار دهد. در صورتی‌که شرکت‌های داخلی به‌عنوان همکار در کنار طرف خارجی با رویکرد انتقال تجربه و دانش باشد، بر اساس دیپلماسی فناوری قرارداد مذکور قرارداد مطلوبی است چراکه مطابق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسعه دانش و بومی‌سازی فناوری در کشور صورت گرفته است. در حالی‌که شرط دوم تأمین امنیت بازار محصولاتی است که در فرایند زنجیره توسعه تولید می‌گردد. داشتن سهم بازار باثبات و پایدار در مناطق متنوع جهان، موجب تقویت قدرت در بازارهای مختلف می‌باشد. این در شرایطی است که هر چه سهم بازار در اقتصادهای

بزرگ چون چین، هند و ... خصوصاً از طریق قراردادهای بلندمدت خط لوله انتقال نفت و انتقال گاز، میزان وابستگی زیادت و بلندمدت‌تر این کشورها را فراهم می‌سازد. در این موارد دیپلماسی انرژی اهرمی است که قدرت ایران را در عرصه اقتصاد و سیاست به‌منظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی، به‌شدت افزایش خواهد داد.

۳-۵. دیپلماسی انرژی مبتنی گسترش حمل‌ونقل خط لوله: در بیانیه گام دوم انقلاب در بخش فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور آمده است. در همین رابطه رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم می‌فرماید که: «به‌جز این‌ها، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با داشتن سهم یک درصد در جمعیت کل جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی میان جهات چهارگانه جغرافیایی، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است» (farsi.khame-nei.ir,1397). در این راستا یکی از ظرفیت‌های استفاده‌نشده در حوزه انرژی از ظرفیت کشورهای همسایه است. حمل‌ونقل لوله‌ای یکی از بهترین و امن‌ترین شبکه‌های حمل‌ونقل در جهان است. اولین خطوط لوله برای جابه‌جایی گاز ترانزیتی بود. در حال حاضر با این روش ایران گاز ترکمنستان را به ترکیه صادر می‌کند و حق ترانزیت می‌گیرد. این حق ترانزیت به شکل استفاده از گاز است که به دلیل بدهی و تأخیرها در پرداخت به ترکیه در اکثر مواقع با جریمه و دیرکرد روبرو است. اگرچه کشور ایران از ذخایر زیاد نفت و گاز در سطح جهانی برخوردار است، دیپلماسی فعالی برای استفاده از این ظرفیت برای محقق شدن هدف‌های انقلاب نداشته است. یکی از راه‌های فعال‌سازی و ایجاد خطوط انتقال فرآورده‌ها و مواد هیدروکربوری است. این در صورتی است که دیگر تولیدکنندگان نظیر روسیه ظرفیت بکر نفت و گاز را از آن خود نموده است. حال آنکه اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر رقابت با روسیه در بازار نفت موجب شده تا برخی دیگر از قراردادهای گازی ایران نظیر پاکستان باوجود انجام

تعهدات ایران نسبت به این کشور، برای انتقال گاز اجرایی نشود. در مسیر جدید دیپلماسی سیاست همکاری برای شریک شدن در بازار گاز و نفت الزام جدی است. از منظر برخی از دست‌اندرکاران بازار ایران می‌تواند از طریق خط لوله‌هایی عراق گاز را به سوریه و بعد ایتالیا برساند. ایران باید از این پتانسیل برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود در عرصه بین‌المللی استفاده کند. این مسئله منوط به مدیریت استفاده از گاز در کشور و تراز مثبت آن است.

۳-۶. دیپلماسی مبتنی بر استفاده از ظرفیت بندرها: بندرها ایران ظرفیت‌های زیادی دارند که هنوز از آن استفاده نشده است. ایران، آماده است که به کشورهای آسیای میانه اسکله‌هایی اختصاص دهد تا در مدتی مشخص مجانی از آن استفاده کنند. در ادامه با رشد مناسبات تجاری آن موقعیت به سمت عقد قراردادهای تعریف‌شده بین‌المللی رفت. در حال به نظر می‌رسد این ظرفیت‌ها می‌تواند باعث ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک ایران شود. ایران می‌تواند این ظرفیت را در اختیار دیگران قرار دهد. هندی‌ها برای آسیای مرکزی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بندر چابهار هستند، از همین رو از سال ۲۰۰۳ امضا کردند (Salem, 2018: 120) و متعهد شدند که حدود ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کنند اما تا ۲۰۱۴ هیچ پولی خرج نکردند. عوامل اقتصادی مانند کریدور شمال جنوب، خط لوله گاز ایران هند و بندر چابهار به عنوان نقطه کلیدی اتصال آسیای مرکزی و افغانستان به هند از عناصر حیاتی در شکل‌دهی روابط استراتژیک ایران و هند هستند (Nasirpour, 2019: 184). این بندر به دلیل اینکه تنها بندر اقیانوسی ایران است، می‌تواند ظرفیت‌های مالی و ژئواکونومیکی زیادی برای این کشور به همراه داشته باشد. هدایت کردن دولت به سمت بهره‌برداری هر چه بهتر از چابهار که اتفاقاً همواره با خلأ جمعیتی رویرو بوده و محلی برای ورود کالاهای تروریستی شده است، می‌تواند یکی از برنامه‌های مهم در این حوزه می‌باشد.

۳-۷. دیپلماسی فعال برای شراکت در کریدورهای بین‌المللی: یکی از اهداف بین‌المللی انقلاب اسلامی که در روح بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر آن تأکید شده استفاده از ظرفیت‌های پیرامونی با اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی است. یکی از این ظرفیت‌های پیرامونی کریدورها هستند که نیازمند یک دیپلماسی فعال چندجانبه است. در بحث پیگیری استفاده از ظرفیت کریدورهای موجود اطراف ایران، یکی از چیزهایی که همواره در برنامه‌های دولت‌های مختلف وجود داشته، مکانیزم‌های چندجانبه بوده است. در سطح دیپلماسی دوجانبه هم

نمی‌توان محدود ماند؛ زیرا یک خط لوله انرژی و یا یک کریدور جاده‌ای از بیش از دو کشور عبور می‌کند؛ بنابراین مشارکت در این خط لوله‌ها و کریدورها نیازمند همکاری ۳ یا ۴ کشور است. مکانیزم‌های چندجانبه بین ۳ یا ۴ کشور با دستور کار مشخص و معین یک‌راه میانی بین ناکامی ایران در سازمان‌ها و دیپلماسی منطقه‌ای و محدودیت‌های دیپلماسی دوجانبه است. چنین رویکرد عمل‌گرایانه‌ای می‌تواند منجر به خروجی مناسبی شود. در این راستا مکانیزم‌هایی که باید فعال کرد عبارت‌اند از:

الف: قفقاز: مکانیزم سه‌جانبه ایران، روسیه و آذربایجان؛

ب: آسیای مرکزی: ایران، ترکمنستان و قزاقستان؛

ج: شبه‌قاره: افغانستان، ایران و هند.

موضوع محوری شکل‌گیری این مکانیزم‌ها بحث کریدور است. در مکانیزم ایران، روسیه آذربایجان دنبال اتصال ریلی، در مکانیزم ایران، ترکمنستان، قزاقستان راه‌آهن اینکه برون و دریای خزر و در مکانیزم ایران و شبه‌قاره، بحث ترانزیت و کریدور مطرح است. ارمنستان تنها کشور عضو اقتصادی اوراسیا است که پل ارتباطی با گرجستان می‌تواند باشد. ارمنی‌ها برنامه‌ای برای بازسازی و نوسازی جاده‌های زمینی خود تا گرجستان را با نگاهی به سرمایه‌گذاری چینی‌ها در دست اجرا دارند. ایران می‌تواند با حضور یک مکانیزم سه‌جانبه با ارمنستان و چین صاحب یک خط ارتباطی مناسب با اوراسیا شود اما در این میان دو مافیای روسی در این زمینه یعنی گاز پروم و شبکه ریلی روسیه در ارمنستان اجازه حضور ایران و برقراری این راه ارتباطی را نمی‌دهند. البته هنوز چینی‌ها جوابی به ارمنستان نداده‌اند. به نظر می‌رسد جهت تکمیل این پروژه تا حدودی ملاحظه روس‌ها را دارند. از سویی دیگر پاکستان با توجه به اهداف منطقه‌ای و بهره‌برداری از موقعیت ژئواستراتژیک خود تلاش دارد تا با راه‌اندازی کامل خطوط راه‌های ارتباطی کریدور اقتصادی و همچنین توسعه زیرساخت‌های لجستیکی بندر گوادر اتصال منطقه‌ای با محوریت پاکستان را پیش ببرد. پاکستان از این اقدام تحت عنوان تغییردهنده بازی نه‌تنها برای این کشور برای کل منطقه یاد می‌نماید.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با پشت سر گذاشتن چهلمین سالگرد پیروزی خود قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد. در این زمینه گام دوم انقلاب که عمدتاً بر ایجاد تمدن نوین اسلامی متمرکز دارد، مسیر بخش‌های مختلف کشور را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را طرح، تبیین و روشن می‌سازد. یکی از چالش‌های مهم در حوزه انرژی، دیپلماسی غیرفعال است که نتوانسته ظرفیت انرژی را به‌عنوان ابزاری برای محقق شدن تمام اهداف انقلاب اسلامی فعال سازد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش بود که از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، چالش‌ها و کاستی‌های محوری دیپلماسی انرژی چیست و فرصت‌های مطلوب دیپلماسی انرژی از منظر گام دوم انقلاب اسلامی کدام‌اند؟ وجود رویکرد سنتی در دیپلماسی انرژی و فقدان ساختار منعطف با تحولات بازار انرژی در سال‌های اخیر از چالش‌های جدی در تجارت انرژی است. در این ارتباط عدم استفاده از متخصصین جوان، عدم ارتباط میان قراردادهای این حوزه و دیپلماسی، عدم تنوع بازار و استفاده از پتانسیل کشورهای هم‌جوار و بهره بردن از ظرفیت دیپلماسی اوپک از اهم موارد ناکارآمدی است. در مقابل، در راستای بیانیه گام دوم و ایجاد تمدن نوین اسلامی نیاز به تغییرات جدی در حوزه دیپلماسی انرژی بیش از پیش خودنمایی می‌نماید. استفاده از ظرفیت دیپلماسی مقاومت اسلامی در حوزه انرژی، قراردادهای مطلوب با تکیه بر تحولات بازار نفت کشور، تنوع‌بخشی و استفاده از پتانسیل کشورهای هم‌جوار، بهره‌برداری از خط لوله انتقال، استفاده از رویکرد جدید دیپلماسی و فعال‌سازی ظرفیت کشورهای تحریمی نفتی در قالب باشگاه تحریمی‌ها از زمره بااهمیت‌ترین الزامات در دیپلماسی انرژی جدید است. نخبگان تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر و همچنین متولیان بخش اجرایی کشور باید توجه داشته باشند که ایران تنها دارنده منابع انرژی در جهان نیستند و از سوی دیگر تصمیم‌گیر اصلی بازار انرژی به شمار نمی‌روند، بلکه رقبای زیادی در این حوزه وجود دارد. بنابراین یک نوع رقابت جدی در سیاست‌های انرژی جهانی وجود دارد و در صورت غفلت و سهل‌انگاری در بخش دیپلماسی انرژی، رقبای سنتی قادر خواهند بود از قدرت تعیین‌کنندگی و چانه‌زنی بالا در تغییر روندها در مسیر تأمین اهداف و منافع مطلوب خود برخوردار شوند. لذا آسیب‌شناسی دقیق و به‌موقع پیرامون تشخیص کاستی‌ها و موانع باهدف آسیب‌زدایی و رفع مشکلات به‌موازات برنامه‌ریزی دقیق

و پیگیری مستمر نقشه راه به منظور نائل آمدن به سطح مطلوب در بخش دیپلماسی انرژی اجتناب ناپذیر است.

پی نوشت

1. single and all-encompassing
2. Economic diplomacy
3. Energy Diplomacy
4. Kegley
5. Witkoff
6. Morgan
7. The Iran and Libya Sanctions Act
8. D'Amato Act
9. Resistance diplomacy

کتابنامه

الف: فارسی

۱. امامی میبدی، علی. (۱۳۸۵). «تحلیل عوامل مؤثر بر قیمت نفت خام»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۰۷-۱۲۲.
۲. حسنی مقدم، صادق و دیگران (۱۳۹۹). «طراحی و تبیین الگوی نهاد تمدن‌ساز، مبتنی بر تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۸، شماره ۳، صص ۴۵-۷۷.
۳. دست‌مالچی، اصغر (۱۳۸۴). سیاست خارجی آمریکا الگو و روند، چ ۲، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه.
۴. راه‌چمنی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). گزیده پژوهش‌های جهان، تهران: مؤسسه تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
۵. رحمانی، سید بهمن و رحیمی، محمد (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل عزت ملی در بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس مدل SWOT، اولین همایش سراسری قدرت نرم انقلاب اسلامی با محوریت چهار دهه مقاومت و بایسته‌های فرهنگی گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).
۶. ستوده، محمد (۱۳۹۸). «الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه گام دوم»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲۲، شماره ۸۷، صص ۲۰۱-۱۷۳.
۷. صادقی، اکبر و همکاران (۱۳۹۶). بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۷۳-۱۰۵.
۸. طریقی، نوشین و طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۷). «دیپلماسی انرژی در اسناد راهبردی سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره چهارم، صص ۲۸۲-۲۶۱.
۹. مقام معظم رهبری (۱۳۹۷)، «بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۲۲ بهمن، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
۱۰. میر ترابی، سعید (۱۳۹۳)، درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، چ ۲، تهران: قومس.

ب: لاتین

11. Adeli, Hossein (2010), The Contribution Of Energy Diplomacy To International Security; With Special Emphasis On Iran, Iranian Review Of Foreign Affairs (Irfa), Vol.1, No. 2.
12. Asaf, Siniver And Dan, Hart (2021), The Meaning Of Diplomacy, International

- Negotiation: A Journal Of Theory And Practice, Vol. 26, No. 2, Pp. 159-183.
13. Benjamin, Alex And Dobрева, Alina (2019), Energy Supply And Security, European Parliamentary Research Service, pp. 630-275.
 14. Rana, Kishan And Chatterjee, Bipul (2019), Introduction: The Role Of Embassies, Cuts International.
 15. Rizki, Muhammad And Natasha, Tabita (2021), Energy Diplomacy: A Vital Piece To Boost Renewable Energy Investment, Aseanenergy, Available At: <https://Aseanenergy.Org/Energy-Diplomacy-A-Vital-Piece-To-Boost-Renewable-Energy-Investment/>
 16. Santos, Miguel (2017), Economic Diplomacy, Geo-Economics And The External Strategy Of Portugal, Janus.Net E-Journal Of International Relations, Vol. 8, No. 1.pp.88-118.
 17. Salem, Saber(2018), New Opening to The Old Gateway: Chabahar Seaport and The Economic and Strategic Benefits to The Region, Jindal Journal of International Affairs, Vol. 4, Issue 1,pp.119-132.
 18. Stoll, Tobias And Others (2020), Extraterritorial Sanctions On Trade And Investments And European Responses, Policy Department For External Relations Directorate General For External Policies Of The Union Pe 653.618
 19. Stanzel, Volker (2018), New Realities In Foreign Affairs: Diplomacy In The 21st Century, German Institute For International And Security Affairs, Swp Research Paper 11.
 20. Morgan, Clifton and others (2014), Threat and imposition of economic sanctions 1945–2005, Conflict Management and Peace Science Journal, 31(5), pp. 541-588.
 21. Nasirpour, Golamreza(2019), Iran-India Relations with Future Prospects, Geopolitics Quarterly, Volume. 14, No 4, PP 165-187.